

بررسی رابطه خلاقیت با باورهای وسوسی و نشخوارفکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت

سیده مرسدہ عظیمی خطیبیانی^۱

مسعود عمopoر^{۲*}

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خلاقیت با باورهای وسوسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت انجام شد. روش: جامعه ای این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه ناحیه دو شهر رشت است که با توجه به آمار دریافتی از آموزش و پرورش شامل ۵۱۸۱ دانش آموز می باشد که با استفاده از جدول مورگان نمونه ای متشكل از ۳۶۰ نفر از دانش آموزان به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه خلاقیت عابدی، پرسشنامه باورهای وسوسی (OBQ-44) و مقیاس نشخوارفکری نولن هوکسما و مارو استفاده شد. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی کانونی و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتایج یافته های پژوهش نشان داد که بین خلاقیت با باورهای وسوسی دانش آموزان و همین طور بین خلاقیت با نشخوارفکری دانش آموزان همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. و خلاقیت می تواند باورهای وسوسی و نشخوار فکری را پیش بینی کند. با توجه به نتایج این پژوهش به نظر می رسد که هر چه خلاقیت دانش آموزان در سطح بالاتری قرار داشته باشد باورهای وسوسی و نشخوارفکری در آنها کاهش می یابد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، سازه ای خلاقیت توانست ۵۴ درصد از تغییرات باورهای وسوسی و نشخوار فکری را تبیین کند.

واژگان کلیدی: خلاقیت، باورهای وسوسی، نشخوارفکری، دانش آموزان

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران.

^۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گیلان، ایران. نویسنده مسئول: Amoopour@iaurusht.Ac.ir

مقدمه

اگر به پیرامون خویش بینگریم شاهد چیزهای بسیاری هستیم که عامل به وجود آمدن آنها، موهبت و توانایی تفکر خلاق^۱ انسان‌ها است و همواره انسان از طریق قوای خلاق خود توانسته به ناشناخته‌ها دست یابد. خلاقیت^۲ به عنوان نوعی نیاز بشری در تمام ابعاد زندگی انسان مطرح است. زندگی پیچیده امروزی، هر لحظه در حال نوشدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال. برای اساسی ترین تا ساده ترین مشکلات انسان، نیازمند تفکر خلاق هستیم (رویدال^۳، ۲۰۰۵، نقل از دستغیب، ۱۳۸۹، ص۱۵).

جامعه‌ای که می‌خواهد بر پای خود بایستد، بایستی از استعدادهای خلاق افراد خود بیشترین بهره را بگیرد. جامعه انسانی برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی به تحول و نوآوری نیاز دارد و امروز شعار «نابودی در انتظار شماست مگر این که خلاق و نوآور باشید» در پیش روی مدیران همه سازمان‌ها قرار دارد اما مسئولیت سازمان‌های آموزشی به خصوص آموزش و پژوهش که وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان و آینده سازان جامعه را بر عهده دارد، صبغه ای دیگر به خود می‌گیرد. در نتیجه توجه به خلاقیت، دقیقاً به معنی توجه به سرنوشت زندگی اجتماعی بشر و آینده جوامع است (حیدری، ۱۳۹۱، ص۴). از مهم ترین ویژگی‌هایی که برای افراد خلاق ذکر شده، می‌توان به تحمل ابهام، روانی، اندیشه، انعطاف‌پذیری، ابتکار و توانایی برای ایجاد تعاریف جدید از مشکلات و حساس بودن نسبت به مشکلات اشاره کرد (حضوری، ۱۳۹۴). لذا اگر قبول کنیم که بزرگترین سرمایه یک کشور نیروهای متفکر و خلاق آن کشور است، بسیار عاقلانه به نظر می‌رسد که این مهم شناسایی و پژورانده شود (آقا شیری، ۱۳۹۱، ص۱۹). توجه به خلاقیت به عنوان عاملی که می‌تواند افراد را از مشکلات رهایی بخشد بسیار گسترش یافته است (لیونیگستون^۴، ۲۰۱۰، به نقل از قوامی، ۱۳۹۱، ص۹).

اختلال وسواسی فکری^۵ جزء اختلالات اضطرابی به شماره می‌رود این اختلال به صورت تصورات ذهنی و افکار مزاحم رفتارهای وسواسی و تشریفات خاص بروز می‌کند موجب برانگیختگی و نگرانی می‌شود نوجوان وسواسی خود را از درون برای انجام کارها رسیدن به اهداف و پیشرفت تحت فشار می‌بیند او تصویر می‌کند که استرس‌ها و تنفس‌های فکری او از خارج بر وی تحمل می‌شود در حالی که نوع تفکر او عامل اصلی این فشارهای است (سلحشور، ۱۳۹۴).

1.Creative thought

2.Creativity

3.Rvydal

4.Livingston

5.Obsessive Compulsive Disorder

در زمینه چگونگی شکل گیری باورهای وسوسی، نظریه های مختلف وجود دارد که از جدیدترین آنها نظریه های نشخوار فکری است. نشخوار فکری به عنوان اشتغال دائمی به یک اندیشه یا موضوع تفکر درباره آن شناخته می شود. نشخوار فکری طبقه ای از افکار آگاهانه حول یک محور مشخص و معمولی می گردد و بدون اینکه تقاضاهای محیطی فوری وابسته به آنها باشد، این افکار تکرار می شوند. نشخوارفکری مجموعه ای افکاری منفعتانه هستند که جنبه تکراری دارند، بر علل و نتایج عالم متمرکزند و مانع حل مسئله ناسازگارانه شده و به افزایش افکار منفی می انجامد. این نوع تفکر در برخی از اختلالات هیجانی^۱ نظیر افسردگی، وسوس فکری - عملی، اضطراب فراگیر و اختلال استرس پس از سانجه مشاهده می شود.

والن^۲ و همکاران (۲۰۰۷) هم تصریح می کنند که نشخوار فکری وسوس و اجباری از مؤلفه های اصلی اختلال وسوسی - اجباری هستند. نشخوار فکری در بیماری وسوس شامل افکاری هستند که به طور پایان ناپذیر مرور می شوند و به نا امیدی درباره آینده و ارزیابی منفی درباره خود منجر می شوند. وجود یک جامعه سالم از نظر بهداشت روانی، منوط به سلامت اجزای کوچکتر آن جامعه از جمله نوع اجتماعات، خانواده ها و گروههای موجود در آن جامعه است (کاپلان و سادوک^۳، ۱۳۸۹).

افکار و باورهای وسوسی زیر گروه (OCD) می باشد و معمولاً شیوع آن تدریجی است و بیشتر از اوایل نوجوانی یا اوایل بزرگسالی ظاهر می شود و نشخوار فکری زیر گروه این اختلال است. میزان شیوع اختلال وسوس فکری - عملی تقریباً ثابت شده است. شیوع مادام العمر آن در جمعیت عمومی ۲ تا ۳ درصد بر آورد شده است. برخی پژوهشگران بر آورد کرده اند که این اختلال در ۱۰ درصد بیماران سر پایی درمانگاه های روان پزشکی یافت می شود. شیوع مادام العمر اختلال وسوس فکری - عملی در ایران برای جمعیت عمومی ۱/۸ درصد در درمانگاه های روانپزشکی تا ۶ درصد تخمین زده است (شیخ مونسی و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۵۱۱-۱۴).

تفکر وسوسی که (OCD) را مشخص می کند باید از نشخوارهای فکری که در افسردگی معمول هستند تمیز داده شوند. در حالیکه افکار وسوسی و نشخوارفکری از لحاظ محتوا و شکل با هم متفاوتند اما می توانند از آسیب پذیری شناختی واحدی نشأت بگیرند(دری بری و رید^۴، ۲۰۰۲، صص ۲۳۶-۲۲۵). نشخوار فکری به عنوان نمونه ای از افکار منفی عود کننده مطرح شده و آن را فرآیندی فراشناختی می دانند که در بسیاری از آسیب های روان شناختی اتفاق می افتد(نولن و هوکسما^۵، ۲۰۰۷، صص ۱۱۵-۱۲۱).

1.Emotional Disorder

2.Wellen

3.Kaplan & Sadock

4.Derryberry & Reed

5.Nolen_Hoeksema

اضطراب و افسردگی^۱ بوده و با هیپومانیا^۲، قماربازی مرضی، اضطراب اجتماعی^۳، تداوم علایم استرس پس از سانحه^۴، کیفیت خواب پایین، آشتفتگی خواب، شراب خواری و علایم سوء مصرف الکل^۵ در بزرگسالان و دختران و نوجوانان و رفتارهای خودزنی و خودکشی رابطه دارد. نشخوار فکری به عنوان نوعی از افکار برگشتی معمولاً به طور طولانی مدتی دوام می‌آورد (وینگر^۶، ۱۹۹۴، به نقل از یانگ یونگ^۷، ۲۰۱۰، صص ۶۲۸-۶۲۳). نشخوار فکری همچنین با کوشش کمتر و اطمینان کمتر به مسئله گشایی رابطه دارد. نشخوار فکری نوعی روش مقابله ناکارآمد است و استفاده از آن منجر به کاهش توانایی حل مسئله و ایجاد تفکرات منفی می‌شود (رپر^۸، ۲۰۰۶). عدم وجود خلاقیت در افراد باعث پایین آمدن توانایی حل مسئله در آنها می‌شود که این موجب بروز اختلالاتی چون اضطراب و افکار وسوسات گونه می‌شود.

اماکنی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی تحت عنوان ارتباط زیر مجموعه‌های وسوسات فکری - عملی، آشتفتگی استنتاج و راهبردهای تنظیم هیجانی با باورهای وسوساتی در زنان انجام دادند. نتایج نشان داد که تنها متغیرهای پیش بین آشتفتگی استنتاج، وسوسات شستن و احتکار ۸۰/۱ درصد پاسخ دهنده‌گان را در گروه هایی که باورهای وسوساتی بالا و پایین داشتند، به درستی طبقه‌بندی کردند. نتایج این مطالعه مدل ارزیابی و رویکرد مبتنی بر استنتاج را تأیید کرده است.

نوفرستی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی تحت عنوان مقایسه انعطاف ناپذیری شناختی و سبک‌های حل مسئله در دانشجویان دارای نشخوار فکری و بدون نشخوار فکری انجام دادند. نتایج یافته‌ها با توجه به تحلیل آماری کوواریانس چند متغیره و تحلیل واریانس نشان داد از نظر خطای درجا ماندگی و شکست در حفظ مجموعه سازی افراد دارای نشخوار فکری و بدون نشخوار فکری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین در سایر راهبردهای حل مسئله دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد.

آقا یوسفی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی تحت عنوان نقش نشخوار فکری در بهزیستی روانی و اضطراب در همسران بیماران مبتلا به سرطان انجام دادند. تحلیل داده‌ها نشان داد بین نشخوار فکری و بهزیستی روان شناختی رابطه منفی معناداری وجود دارد و بین نشخوار فکری و اضطراب رابطه مثبت معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان داد

- 1.Depression
- 2.Hypomania
- 3.Social Anxiety
- 4.PTST
- 5.Alcohol Abuse
- 6.Vinger
- 7.Yung&Young
- 8.Repper

پایین بودن بهزیستی روان شناختی همسران بیماران مبتلا به سرطان است. لذا توجه به نیازهای آنها مؤلفه‌ی ضروری در موفقیت درمانی بیماران است.

ريان و همکاران^۱(۲۰۱۵)، در پژوهش خود تحت عنوان نقش هیجانات در کاهش نشخوارفکری در ۳۲۰ نفر از دانشجویان به این نتیجه رسید که مقصّر دانستن خود، نشخوار فکری، فاجعه بار تلقی کردن و باز ارزیابی مثبت به عنوان معتبرترین پیش‌بینی کننده‌های هیجانات منفی معرفی شده‌اند.

نathan، A.Rickman^۲(۲۰۱۴)، پژوهشی تحت عنوان سرکوب ناموفق با افزایش روان‌نگویی، افکار مزاحم و نشخوارفکری همراه است، انجام داد. یافته‌ها نشان داد حد بالا و پایین روان نژندی و اشتغال به طیف افکار مزاحم که توسط افرادی که تلاش ناموفق برای سرکوب این اطلاعات را نامطلوب گزارش کردند حداقل تفاوت را با کسانی که سرکوب موفق را گزارش کردند، نشان دادند تا غیر سرکوب گران.

اومو رایس^۳(۲۰۱۴)، در پژوهشی رابطه میان خلاقیت، کمال گرایی، تمرکز بر هدف و پیشرفت تحصیلی را بررسی نمودند. آنان دریافتند که با افزایش کمال گرایی، تمرکز بر هدف و نیز پیشرفت تحصیلی افزایش می‌یابد. البته این همبستگی دلبستگی با نمرات خرده مقیاس‌های کمالگرایی مثبت بیشتر بود.

وایدا و ادھیکاری^۴(۲۰۱۴)، در تحقیقی تحت عنوان نقش نشخوار در رابطه کمبود توجه و علائم وسوسی- جبری در نمونه غیر بالینی به علائم وسوسی و نشخوار فکری پرداختند. یافته نشان می‌دهد که علائم OCD ارتباط معنی داری با کسری نشخوار و توجه است. با این حال، نشخوار بودن رابطه بین کمبود توجه و علائم وسوسی تأکید شد. نتایج ارائه شده و مورد بحث قرار گرفت. این انتظار می‌رود که نتایج کمک خواهد کرد تا بیشتر به نقش عوامل شناختی در OCD روشن و گسترش مدل‌های عصبی بپردازیم.

توجه به توانایی دانش آموزان و استفاده از این توانایی برای حل مسائل، مخصوصاً مسائل مربوط به جنبه‌های روانی و باور‌ها و افکار افراد ضروری به نظر می‌رسد. بررسی خلاقیت در دانش آموزان از این جهت اهمیت دارد که تاکنون سایر پژوهش‌های انجام شده در رابطه با سه مؤلفه‌ی این پژوهش تمرکز نداشته است و کمتر دیده شده که پژوهشی در رابطه با توانایی استفاده از خلاقیت در حل جنبه‌های روانی تأکید ورزد. آگاهی از تفاوت‌های احتمالی میان توانایی خلاقیت دانش آموزان افقی جدید پیش روی پژوهشگران و دست اندرکاران آموزش و پرورش می‌گشاید تا برنامه و روش‌های آموزشی را بیش از پیش متناسب کنند.

-
- 1.Riayan&et al
 - 2.Nathan, of Rickman
 - 3.Eum,K &Rice,G
 - 4.Vaidya&Adhikari

از این رو سوالی در این پژوهش حاضر مطرح می شود این است که آیا خلاقیت با باورهای وسوسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد؟

روش شناسی

هدف کلی پژوهش تعیین و بررسی رابطه کی خلاقیت با باورهای وسوسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت می باشد. با توجه به هدف کلی تحقیق فرضیات پژوهشی به شرح ذیل می باشد:

فرضیه اصلی: خلاقیت با باورهای وسوسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. فرضیه های فرعی: ۱- خلاقیت با باورهای وسوسی در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. ۲- خلاقیت با نشخوار فکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد.

این مطالعه، پژوهشی توصیفی و از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش شناسی جزو پژوهش های توصیفی از نوع همبستگی می باشد که به بررسی رابطه خلاقیت با باور وسوسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه کی ناحیه دو شهر رشت می پردازد.

جامعه آماری پژوهش جامعه آماری پژوهش حاضر، عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه ناحیه دو شهر رشت که با توجه به آمار دریافتی از آموزش و پژوهش در مهرماه ۱۳۹۵، شامل ۵۱۸۱ نفر از دانش آموزان می باشند که به تفکیک مجموع دانش آموزان مدارس دولتی ۳۴۳۷ نفر و مجموع دانش آموزان مدارس غیردولتی ۱۷۴۴ نفر می باشند. نمونه پژوهش بر اساس جدول مورگان متشكل از ۳۶۰ نفر از دانش آموزان هستند که از این تعداد ۲۳۹ دانش آموز از مدارس دولتی و ۱۲۱ دانش آموز از مدارس غیر دولتی می باشند. نمونه مورد مطالعه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و داده ها جمع آوری شدند که با استفاده از جدول مورگان این حجم انتخاب شده است.

برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های استاندارد به شرح زیر استفاده گردید: پرسشنامه خلاقیت عابدی (CT): پرسشنامه سنجش خلاقیت که به آزمون سنجش خلاقیت عابدی (CT) مشهور است بر اساس نظریه تورنس درباره خلاقیت و در سال (۱۳۶۳) به وسیله عابدی در تهران ساخته شده است. این پرسشنامه چندبار مورد تجدید نظر قرار گرفته است و در نهایت فرم ۶۰ سوالی آن در دانشگاه کالیفرنیا و به وسیله عابدی تدوین گردید. این پرسشنامه دارای ۴ مقیاس است:

جدول ۱. زیر مقیاس های پرسشنامه خلاقیت عابدی

مقیاس	سوال
سؤالات ۱ تا ۲۲	سیالی
سؤالات ۲۳ تا ۳۳	بسط
سؤالات ۳۴ تا ۴۹	ابتکار
سؤالات ۵۰ تا ۶۰	انعطاف پذیری

پرسشنامه باور وسوسی (OBQ-44): الف- توصیف آزمون. در حال حاضر پرسشنامه افکار وسوسی (OBQ-44) یکی از پر استفاده ترین و مقبول ترین ابزارها در این زمینه است. پرسشنامه افکار وسوسی (OBQ-44) که دارای ۴۴ ماده است از فرم اصلی این پرسشنامه یعنی OBQ-77 گرفته شده است. هر دو فرم این پرسشنامه توسط گروه کاری مطالعه شناخت ها در اختلال وسوس طراحی و ساخته شده اند. این کار گروه شامل محققانی برجسته از سرتاسر جهان است که در رابطه با نقش شناختها در اختلال وسوس فکری عملی مطالعه می کنند. پرسشنامه افکار وسوسی (OBQ-44) دارای ۴۴ ماده است که در یک طیف لیکرت ۷ درجه ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره گذاری می شود.

این پرسشنامه از سه زیر مقیاس تشکیل شده است که حوزه های اصلی شناخت در اختلال وسوس را پوشش می دهند. این سه زیر مقیاس عبارتند از: ۱. احساس مسئولیت برای صدمه و آسیب و ارزیابی خطر و تهدید (۱۶ ماده) ۲. کمال طلبی و نیاز به برخورداری از اطمینان (۱۶ ماده) ۳. اهمیت و کنترل افکار (۱۲ ماده)

پرسشنامه پاسخ نشخواری^۱ (RRS) (1991). الف - توصیف آزمون: نولن هوکسما و مارو (1991) پرسشنامه ای خودآزما تدوین کردند که چهار نوع متفاوت از واکنش به خلق منفی را مورد ارزیابی قرار می داد. پرسشنامه سبک های پاسخ^۲ (RSQ) از دو مقیاس پاسخ های نشخواری (RRS) و مقیاس پاسخ های منحرف کننده حواس^۳ (DRS) تشکیل شده است. به علاوه این مقیاس متشکل از سه خرد مقياس حواس پرتی^۴، تعمق^۵ و در فکر فرو رفتن^۶ است.

این مقیاس خود گزارش دهنده دارای ۲۲ ماده است که برای دستیابی به نشخوار فکری طراحی شده است. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون گردید و سپس با استفاده از داده های به دست آمده از این پرسشنامه ها و به

1.Ruminntive Response Scale

2.Response Styles Quistionnaire

3.Distracting Response Scale

4.Distraction

5.Reflection

6.Brooding

کمک نرم افزار آماری Spss¹ میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج به صورت زیر نشان داده

می شود:

جدول ۲. درصد آلفای متغیرها

نام متغیر	تعداد پرسش	مقدار آلفای کرونباخ
سیالی	۲۲	۰/۷۲۰
بسط	۱۱	۰/۸۱۴
ابتکار	۱۶	۰/۷۹۶
اعطاف	۱۱	۰/۷۷۸
خلاقیت	۶۰	۰/۸۸۹
احساس مسئولیت	۱۶	۰/۷۴۱
کمال طلبی	۱۶	۰/۷۲۰
کترل افکار	۱۲	۰/۷۲۷
باور و سواسی	۴۴	۰/۸۹۱
حوس پرتنی	۱۲	۰/۷۵۸
تعمق	۵	۰/۸۶۳
در فکر فرو رفتن	۵	۰/۷۵۴
نشخوار فکری	۲۲	۰/۸۹۸

همچنان که در جدول ملاحظه می شود مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده بالاتر از ۰/۷ بوده که نشان از قابل اعتماد بودن پرسشنامه ها می باشد.

یافته ها

فرضیه اصلی: بین خلاقیت با باور و سواسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۳. ضریب همبستگی خلاقیت با باور و سواسی و نشخوار فکری

متغیر پیش بین	متغیرهای ملاک	P (نمایش معناداری)	ضریب تبیین R (همبستگی)	P (نمایش معناداری)
خلاقیت	باور و سواسی و نشخوار فکری	-۰/۷۳۷	-۰/۵۴۴	۰/۰۰۰

جدول ۴. تحلیل ضرایب آزمون همبستگی کانونی فرضیه اصلی

متغیرهای ملاک	ضریب شیب (B)	خطای استاندارد	beta	P (نمایش معناداری)
باور و سواسی	-۰/۱۹۸	۰/۰۱۹	-۰/۴۱۱	۰/۰۰۰
نشخوار فکری	-۰/۵۲۱	۰/۰۴۸	-۰/۵۲۱	۰/۰۰۰

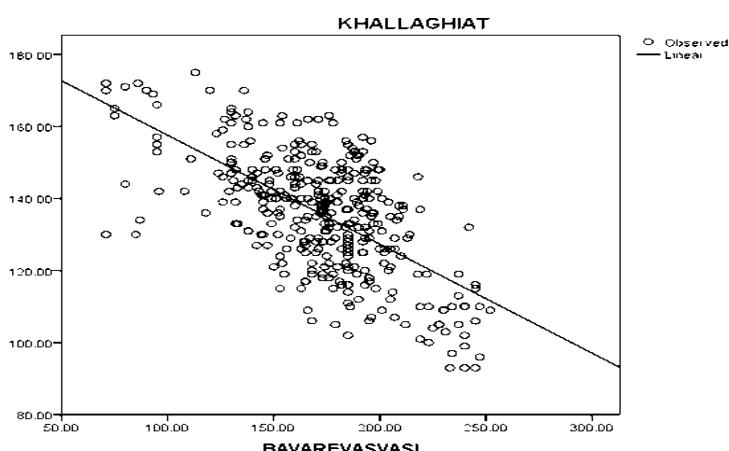
بر اساس داده‌های جدول ضریب همبستگی محاسبه شده که در سطح 0.01 نیز معنادار است. ($-0.737 = r = 0.000$) و نشان می‌دهد که بین خلاقیت و باور وسوسی و نشخوار فکری به میزان $73/7$ درصد رابطه منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان باور وسوسی و نشخوارفکری کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین برای متغیر فوق 0.544 گزارش شده است.

فرضیات فرعی: بین خلاقیت با باورهای وسوسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۵. ضریب همبستگی خلاقیت با باور وسوسی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R (همبستگی)	ضریب تبیین	P(سطح معناداری)
خلاقیت	باور وسوسی	-0.629	0.395	0.000

بر اساس داده‌های جدول فوق بر اساس آزمون پیرسون ضریب همبستگی محاسبه شده که در سطح 0.01 نیز معنادار است. ($-0.629 = r = 0.000$) و نشان می‌دهد که بین خلاقیت و باور وسوسی به میزان $62/9$ درصد رابطه منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان باور وسوسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور 0.395 گزارش شده است. علاوه بر این نمودار زیر مشخص می‌سازد که تمرکز این همبستگی در سطح میانگین جامعه می‌باشد به عبارت دیگر بیشترین افراد دارای این خصوصیت در محدوده میانگین دارای چنین وضعیتی می‌باشند.



نمودار ۱. رابطه بین خلاقیت با باور وسوسی

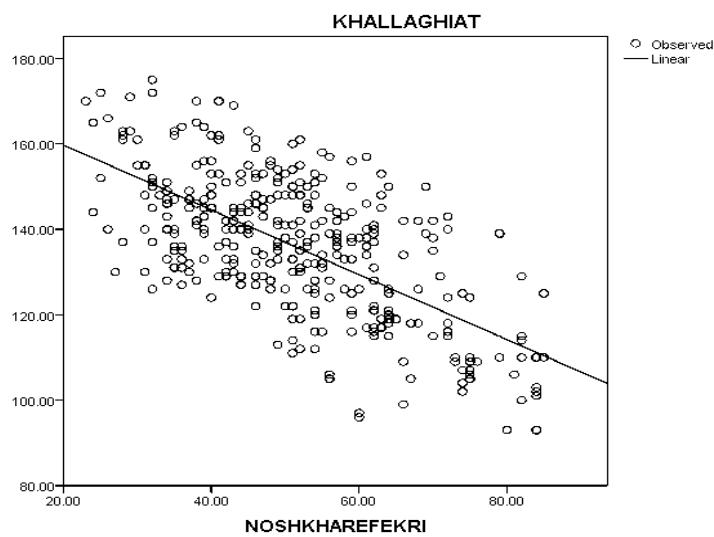
بین خلاقیت و نشخوار فکری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۶. ضریب همبستگی خلاقیت و نشخوار فکری

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R (همبستگی)	ضریب تبیین	P(سطح معناداری)
خلاقیت	نشخوار فکری	-0.645	0.416	0.000

بر اساس داده‌های جدول فوق بر اساس آزمون پیرسون، ضریب همبستگی محاسبه شده که در سطح 0.01 نیز معنادار است. ($-0.645 = r = 0.000$) و نشان می‌دهد که بین خلاقیت و نشخوار فکری به میزان $64/5$ درصد رابطه

منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد، میزان نشخوار فکری در دانش آموزان دختر متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور 0.416 گزارش شده است. علاوه بر این نمودار زیر مشخص می‌سازد که برخلاف فرضیه اول تمرکز این همبستگی در سطوح بالای میانگین جامعه نمونه می‌باشد به عبارت دیگر بیشترین افراد دارای این خصوصیت در محدوده بالای میانگین دارای چنین وضعیتی می‌باشند.



نمودار ۲. رابطه بین خلاقیت و نشخوار فکری

نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی: خلاقیت با باورهای وسوسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. در ارتباط با فرضیه اصلی، مشاهده شد که بین خلاقیت با باور وسوسی و نشخوار فکری در دانش آموزان دختر متوسطه رابطه معنادار وجود دارد. و این همبستگی مقدار -0.737 بوده است که نشان دهنده رابطه منفی خلاقیت با باور وسوسی و نشخوار فکری دارد ($P=0.000$). به عبارت دیگر هر چه خلاقیت افراد بالاتر باشد باور وسوسی و نشخوار فکری در آنها کاهش می‌یابد. همچنین ضریب تبیین برای متغیر فوق 0.544 گزارش شده است. متأسفانه تحقیق مشابه تحقیق حاضر برای مقایسه وجود ندارد، اما برای مقایسه فرضیه اصلی این پژوهش می‌توان از جمله زیر مؤلفه‌های سلامت روان که وسوس فکری - عملی می‌باشد را با خلاقیت در یافته‌های پژوهش شهریاری احمدی و همکاران (۱۳۹۱) همسو دانست.

همانطور که گیلфорد (۱۹۵۰)، تورنس (۱۹۶۹)، فریر (۱۹۹۶)، کروگاگلیاردن (۲۰۰۶) و همچنین پیرخائفی درباره آموزش خلاقیت انجام داده اند و مدعی شده اند که خلاقیت در سطح مؤلفه‌های فراشناسخنی (سیالی، بسط، انعطاف پذیری و ابتکار) قابل آموزش است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت آموزش خلاقیت قادر است سطح عملکردی ذهن و

شخصیتی افراد را برای کارکردی و انطباقی بهتر و بالاتر ارتقا دهد. از جمله روش هایی که خلاقیت را بالا می برد استفاده معلمان از تکنیک بارش مغزی و حل خلاق مسئله است که روش های مناسبی باری تحریک مؤلفه های فراشناختی خلاقیت در دانش آموزان محسوب می شود به شرط رعایت شرایط انگیزشی و خلاق در آموزش و به کار بستن تمرینات مناسب، این فنون قابلیت این را دارند که بتوانند خیزش محسوسی در عناصر بسط، سیالی، انعطاف پذیری و ابتکار هم در ذهن و هم در شخصیت افراد به وجود آورند.

اکثر پژوهشگران و دانشمندان خلاقیت معتقدند که پاره ای از عوامل و متغیرها مانند هوش و سلامت روانی و جنس با این پدیده منحصر به فرد در ارتباط هستند. در پژوهش شهریاری احمدی و همکاران نیز این رابطه مشاهده گردید، به عبارتی میانگین وسوس فکری - عملی، اضطراب، افسردگی، افسردوخت، ترس مرضی، افکار پارانوئید و حساسیت بین فردی در بین دانش آموزان عادی بیشتر از افراد تیز هوش بوده که یافته های با یافته های خسروانی و گیلانی (۱۳۸۶) و فلاچ (۱۹۹۰) مبنی بر بالا بودن سلامت روان افراد دارای خلاقیت بالا (تیزهوش) همسوئی دارد.

فرضیه فرعی اول: خلاقیت با باورهای وسوسی در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد.

در ارتباط با اولین فرضیه فرعی مشاهده شده که بین خلاقیت با باور وسوسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه رابطه معنادار وجود دارد و بر اساس داده ها و آزمون پیرسون ضریب همبستگی محاسبه شده 0.629 - گزارش شد ($p = 0.000$) و نشان می دهد که بین خلاقیت و باور وسوسی به میزان 62.9 درصد رابطه منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان باور وسوسی در دانش آموزان دختر سطح متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور 0.395 گزارش شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر همانند فرضیه اصلی با یافته های شهریاری احمدی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می باشد. در تبیین یافته ها با توجه به شواهد نظری و پژوهشی می توان گفت که همه انسانها در ابتدای زندگی خود از خلاقیت عام که از ناخودآگاه سرچشمه می گیرد برخوردارند. افرادی که از خلاقیت اولیه خود نگرانند و آن را رها می کنند معمولاً دچار وسوس فکری - عملی می شوند. همانطور که مازلو در نظریات خود بیان داشته اما پس از سرگذشت کودکی آن را از دست می دهند. اما به واسطه ناخودآگاه قادرند خیالبافی کنند، لذت ببرند و رفتار خلاق بروز دهند که این با خلاقیت خاص که مبنی بر عقل سلیم است تفاوت اساسی دارد. آنان تلاش زیادی برای سازگار شدن با قید و بندها، منطقی بودن می کنند. بنابراین شاید به جرات بتوان گفت خلاقیت کلید طلایی خوشبختی است. خلاقیت می تواند و باید جزئی از زندگی همه افراد باشد. تأکی بر خلاقیت و پرورش تفکر واگرا منجر به رشد هماهنگ و متعادل جسمی و روانی افراد می شود.

فرضیه فرعی دوم: خلاقیت با نشخوارفکری در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر رشت رابطه دارد. در ارتباط با دومین فرضیه فرعی مشاهده شده که بین خلاقیت و نشخوارفکری رابطه معنادار وجود دارد و بر اساس داده ها و

آزمون پیرسون، ضریب همبستگی محاسبه شده $0/645 = p$) گزارش شد و نشان می دهد که بین خلاقیت و نشخوارفکری به میزان $64/5$ درصد رابطه منفی و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چقدر مقدار نمره خلاقیت افزایش یابد میزان نشخوارفکری در دانش آموزان دختر متوسطه کاهش خواهد یافت. همچنین ضریب تبیین در این پژوهش برای متغیر مذکور $0/416$ گزارش شده است. متأسفانه علی رغم جستجوی فراوان در مجلات پژوهشی و اینترنت هیچ تحقیق مشابه تحقیق حاضر وجود نداشت تا بتوان تحقیق حاضر را با آنها مقایسه کرد. ولی در خصوص مقایسه مؤلفه های تحقیق حاضر با دیگر پژوهش ها می توان بیان کرد که پژوهش حاضر با پژوهش ویلکینسون، اپل و همکاران در سال (۲۰۱۳)، که در آن سطح نشخوارفکری نوجوان و بزرگسالان بالاتر از حد متوسط گزارش شده بود همسو می باشد.

در تبیین یافته های فرضیه دوم پژوهش می توان چنین گفت که خلاقیت از جمله شیوه های حل مسئله با نشخوارفکری رابطه دارد و میزان بالای توانایی حل خلاق مسئله پیش بینی کننده تندیگی پایین و یا مقابله مؤثر با آن و در نتیجه سلامتی بالا است. حل مسئله یک راهبرد مقابله ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تندیگی و نشانه شناسی روانی را کاهش می دهد. بنابراین فرد بدین وسیله تندیگی روان شناختی را می تواند کاهش دهد و یا پیشگیری نماید. البته مؤلفه های رفتاری از قبیل آموزش تکنیک هایی جهت قطع چرخه های نشخوارفکری (تمرین توقف فکر و روش های منحرف کننده حواس مثبت) و آموزش خلاقیت و مهارت های حل مسئله در درمان و کاهش نشخوارفکری مؤثر ارزیابی شده اند.

نتایج کلی پژوهش حاضر یافته های زیر را نشان می دهد: دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش از نظر خلاقیت در سطح بالاتر از متوسط بوده و سطح پایین فراوانی آن صفر بود همچنین $80/6$ درصد در سطح بالای خلاقیت قرار داشتند در حالی که $19/4$ درصد از دانش آموزان در سطح متوسط بودند.

دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش از نظر تصاحب هر یک از مؤلفه های باورهای وسوسی در دو مؤلفه احساس مسئولیت برای صدمه و آسیب و ارزیابی خطر از حد متوسط بالاتر بوده در حالی که در مؤلفه ای اهمیت دادن به افکار و کنترل افکار از میانگین متوسط پایین تر بودند.

دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش از نظر سطح در فکر فرو رفتن در دانش آموزان نزدیک به میزان متوسط می باشد و تعمق و حواس پرتی در آنها از این نیز پایین تر است همچنین پژوهش نشان داد که تمامی دانش آموزان از نظر نشخوارفکری در سطح بالاتر از متوسط بوده و در سطح پایین فراوانی آن صفر است به طوری که $34/2$ درصد از پاسخ دهنده‌گان در سطح متوسط و $65/8$ درصد در سطح بالای نشخوارفکری قرار دارند.

با توجه به نتایج این پژوهش که خلاقیت می تواند باورهای وسوسی و نشخوارفکری را پیش بینی کند می توان چنین نتیجه گرفت که هرچه سطوح فراشناخت خلاقیت بالا رود کاهش باورهای وسوسی و نشخوارفکری را در پی

خواهد داشت و رویکرد خلاق معلمان در شکل گیری خلاقیت دانش آموزان که همان دستیابی هدف آموزش یعنی شخصیت خلاق است نقش اساسی دارد.

منابع

- آقاشیری، صدیقه. (۱۳۹۱). بررسی میزان توجه به مؤلفه های خلاقیت در برنامه ریزی درسی قرآن کریم دوره ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۱۹.
- حضوری، داود. (۱۳۹۴). بررسی شیوه های اسناد علی و راهبردهای یادگیری در دانشجویان و رابطه ای آن ها با هوش، خلاقیت، جنسیت و رشته تحصیلی، فصلنامه ای پژوهشی و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال نهم، شماره اول و دوم.
- حیدری، روح الله. (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی و خلاقیت با شادکامی دانش آموزان مدارس شبانه روزی راهنمایی و متوسطه عشاپری استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۴.
- دستغیب، سیده مریم. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مهارت های مشتبه اندیشی بر خلاقیت دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۱۵.
- سلحشور، ایران. (۱۳۹۴). رابطه بین باورهای وسوسی و مشکلات هیجانی با توجه به عوامل خانوادگی فردی و خانوادگی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، فصلنامه خانواده پژوهی.
- شيخ منسي ف؛ حاج حيدري ز؛ مسعود زاده آ؛ على محمدپور ر؛ مظفرى م. (۱۳۹۳). شيوخ و شدت اختلال وسوسات فكري - عملي و رابطه آنها با بيماري هاي پوستي. دوره پنجاه و دوم، شماره ۷، صص ۵۱۱-۵۱۴.
- قوامي، فرج. (۱۳۹۱). مقایسه خلاقیت دانش آموزان دختر ناشناوا و شناوا پایه چهارم و پنجم دبستان شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۹.
- کاپلان، هارولد؛ سادوک، ویرجینیا. (۲۰۱۰). خلاصه روان پزشکی (علوم رفتاری و روان پزشکی بالینی) (جلد ۱، ۲ و ۳). ترجمه فرزین رضاعی (۱۳۸۹)، انتشارات ارجمند.

- Derryberry D, Reed, M A. (2002). Anxiety-related attentional biases and their regulation by attentional control. *Journal of Abnormal Psychology*, 2, 225-236.
- Keunyoung Y, KeunH K, Shin Y S, Kang S L. (2010). Intolerance of uncertainty, worry, and rumination in major depressive disorder and generalized anxiety disorder. *Journal of Anxiety Disorders*. 6, 623–628.
- Nolen-Hoeksema S, Jacksan B. (2007). Mediators of the gender difference in nolen-Hoeksema ,s , morrow J. (1991). A prosoective study of depression and posttraumatic stress symptoms after a natural disaster: The 1999 loma prieta earthquake. Journal of personality and social psyoholoyy, 61,115-121.
- Repper K K. (2006). The relationship between anger rumination and aggression In childhood. A dissertation submitted in partial full fillment of the requirements For the degree of doctor of philosophy in the department of psychology.

Investigate the relationship between creativity with obsessive beliefs and rumination in high school students in the city of Rasht

Seyedeh Mercedeh Azimi Khatibani¹

Masoud Amoopour*²

Abstract

This study aimed to investigate the relationship between creativity with obsessive beliefs and rumination in female students of second cycle of secondary school Rasht District 2 was performed. Method: The study population included all girl students of secondary high school in Rasht that according to statistics from the education of 5181 students that using Morgan table, a sample of 360 of students to sampling were randomly selected. Abedi creativity questionnaire to collect data, obsessive belief questionnaire (OBQ-44) and rumination scale Nolen Hoeksema and Morrow were used. For data analysis canonical correlation coefficient and regression analysis was performed using SPSS software. The results showed that the students' creativity with obsessive belief as well as significant negative correlation between creativity and rumination students thereand creativity can predict obsessive beliefs and rumination((The results showed that the students' creativity with beliefs obsession, as well as significant negative correlation between creativity and students there rumination and creativity can predict obsessive beliefs and rumination)). The results of this study, it seems that the creativity of the students have a higher level of obsessive beliefs and reduced rumination on them. Based on regression analysis, creativity construct 54 percent of the changes could explain the obsessive beliefs and rumination.

Key Words: Creativity, Obsessive Belief, Rumination.

¹. Graduate Student, General Psychology, Islamic Azad University, Rasht Branch, Guilan, Iran.

². Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Rasht, Gilan, Iran.

*Corresponding author: Amoopour@iaurasht.Ac.ir